

## سخنرانی دکتر مجتبی شریعتی نیاسر معاون آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در جمع شورای راهبردی کرسی یونسکو در آموزش مهندسی و شاخه انجمن آموزش مهندسی ایران در دانشگاه تهران در تاریخ ۹۸/۴/۵

دکتر مجتبی شریعتی نیاسر، معاون محترم آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، به دعوت کرسی یونسکو در آموزش مهندسی، در جلسه مشترک شورای راهبردی این کرسی و شاخه انجمن آموزش مهندسی ایران در دانشکده فنی دانشگاه تهران در تاریخ ۹۸/۴/۵، شرکت نمودند. در ابتدای جلسه، آقای دکتر معاریان، رئیس کرسی یونسکو در آموزش مهندسی، ضمن خیر مقدم به دکتر شریعتی نیاسر برای حضورشان در این جلسه، برخی سوالات را که توسط اعضای شورای راهبردی، در مورد وجوه مختلف آموزش دریافت شده بود، مطرح نمودند. در ادامه، دکتر شریعتی نیاسر در مورد فعالیت‌های آموزشی وزارت علوم و سوالهای مطرح شده، سخنرانی نمودند.

### دکتر شریعتی نیاسر

ابتدا باید بگویم، خوشحالم چنین جمعیتی به بحث آموزش توجه نموده است. درست است که انحصاراً به آموزش مهندسی می‌پردازید ولی اساساً پرداختن به اهمیت آموزش، یک مسأله بسیار جدی است و از جمله مسائلی است که خلأ آن را ما در آموزش عالی به‌خوبی حس می‌کنیم.

گرچه پیش پژوهش‌گران که می‌نشینیم می‌گویند پژوهش مغفول مانده، پیش آموزش‌گران که می‌نشینیم می‌گویند آموزش مغفول مانده است. ولی ما به عنوان خدمت‌گذارانی که در عرصه مدیریت آموزش عالی هستیم باورمان این است - خود من هم به‌عنوان معاون آموزشی باورم این است - که آموزش مغفول مانده است. توجه‌ها خیلی بیشتر به سمت پژوهش بوده، گرچه نظام‌های آموزش عالی ما عمدتاً نظام‌های آموزشی هستند ولی خود آموزش مغفول واقع شده و حداقل به کیفیت آن کم‌تر بها داده شده است.

مضافاً این که در بخش آموزش ما رشد بسیار بسیار قابل توجهی به لحاظ کمی داشته‌ایم. که این رشد کمی بی‌رویه را ما در بخش پژوهش نداشتیم. خود همین نشان می‌دهد به آموزش به لحاظ بعضی پارامترهای مؤثر در امر کیفیت، توجه نشده است. ضعف کیفی را ما به مراتب در آموزش خیلی بیشتر می‌بینیم و به لحاظ ساختار سازمانی هم کم‌تر به بحث نظارت در امر آموزش پرداخته شده است. کم‌تر بحث نظارت بر آموزش نهادینه شده و به آن توجه شده است. این‌ها همه مقدمه‌ای بر عرض من است که می‌خواهم بگویم شما عزیزان کار درستی را دنبال می‌کنید و این امر ضرورت آموزش عالی است. بنابراین به امر آموزش به جهات مختلفی باید توجه شود و به بعضی از مواردی که آقای دکتر معاریان اشاره فرمودند اشاره خواهیم کرد که ما چه کاری داریم می‌کنیم و شما چگونه می‌توانید دست ما را بگیرید.

### آمار آموزش عالی

بینید ما امروز در پهنه کشور تقریباً نزدیک ۴ میلیون نفر جمعیت دانشجو داریم. گرچه این ۴ میلیون در آغاز دوران تصدی اینجانب ۴ میلیون و ۸۵۰ هزار نفر بوده که در این مدت تقریباً ۸۵۰ هزار نفر، کاهش جمعیت دانشجویی داشته‌ایم. بخشی از این کاهش جمعیت طبیعی بوده و متقاضی کم شده است ولی بخشی از آن ناشی از سیاست‌هایی بوده که اعمال کرده‌ایم که اگر وقت اقتضاء کند خدمت شما عرض می‌کنم.

این جمعیت ۴ میلیون نفری را تقریباً ۸۳ هزار هیأت علمی پوشش می‌دهند. این ۸۳ هزار هیأت علمی در قریب به ۲۲۰۰ مرکز آموزش عالی در کل کشور خدمات‌رسانی می‌کنند. این ۲۲۰۰ مرکز در سال ۹۲، ۲۸۵۰ مرکز بود و حدود ۶۰۰ الی ۶۵۰ عدد آن کاهش پیدا کرده است. این کاهش قطعاً به خاطر سیاست‌هایی بوده که ما پیاده کرده‌ایم و هیچ شکی در این رابطه ندارم و هنوز دنبال این هستیم که این را بیشتر کاهش بدهیم. البته این کاهش به معنای جمع کردن و محو کردن این مراکز آموزش عالی نیست بلکه به معنای مأموریت‌گرایی و سیاست‌تجمیع و الحاق و مواردی از این دست است. البته به این معنا هم نیست که ما هیچ مرکزی را منحل نکرده‌ایم. یک‌سری مراکز هم منحل شده، ولی عمده این کاهش تعداد به خاطر انحلال مراکز نبوده است.

شما با یک ضرب و تقسیم ساده متوجه می‌شوید که به هر حال بعضی از شاخص‌ها مثل نسبت دانشجو به استاد میانگین کشوری آن هم خوب نیست، چه برسد بخواهیم یکی یکی مراکز دانشگاهی را مطرح و بررسی کنیم.

در نظام آموزش عالی ما حدود ۸۵ درصد جمعیت دانشجویی با پرداخت شهریه درس می‌خوانند، شاید کمی هم بیشتر. به عبارت دیگر زیر ۱۵ درصد آموزش رایگان دارند. این ۱۵ درصد هم، که شاید حدود ۵۰۰ الی ۶۰۰ هزار نفر باشند، در دانشگاه‌های دولتی روزانه درس می‌خوانند. اگر همین تعداد را مرور بکنیم، درصد قابل توجهی از آنها در دانشگاه‌های خوب کشور درس می‌خوانند. البته این اعداد تقریباً همه میانگین است.

### ساماندهی کارگروه‌های تخصصی

بحث کیفیت آموزش که موضوع این جلسه است و به خاطر این شما دور هم جمع شده‌اید. اگر بخواهم مسائل آموزش عالی را بگویم فکر می‌کنم دو ساعت هم این جا باشم حرف‌های خودمان را دارم اما شاید همه آنها فعلاً نیاز نباشد. ولی در آموزش عالی یکی از ضعف‌های جدی که ما حس می‌کردیم و هنوز هم حس می‌کنیم، یک گسستگی بین جامعه دانشگاهی ما با مدیران تصمیم‌گیر و سیاست‌گذار است. یعنی مدیران آن بالا نشسته‌اند و تصمیم خود را می‌گیرند و کار خودشان را می‌کنند و جامعه دانشگاهی که در خط مقدم هستند، هیچ نقشی در آن تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها ندارند و این بسیار غلط است. بسیار غلط است.

کاری که ما در این سال‌های گذشته کردیم، تلاش کرده‌ایم این پیوند را تا اندازه‌ای ایجاد بکنیم و این رابطه برقرار شود تا تصمیم‌گیری‌های ما با تصمیم‌سازی‌های بدنه خط مقدم مطابقت بکند. یعنی تصمیم‌سازی‌ها با تصمیم‌گیری‌ها اگر مطابقت بکند، آن موقع می‌شود گفت که تصمیم‌گیری‌ها منطقی است. ولی اگر مطابقت نکند معلوم می‌شود تصمیم‌گیران یک چیز تصمیم گرفته‌اند، در حالی که تصمیم‌سازان کارشناس، گونه دیگری فکر می‌کنند.

امسال اولین سالی است که کارگروه‌های تخصصی را به روش انتخاب الکترونیکی، در جامعه دانشگاهی فعال کرده‌ایم که سابقه نداشته و اولین بار بوده است. تقریباً اکثریت قریب به اتفاق جامعه دانشگاهی هم این کار را تأیید کرده‌اند. بعضی از دوستان هم نقدهایی داشته‌اند که به هر حال هیچ کاری بی‌عیب و بی‌نقص نیست. به واسطه این انتخاب که خود جامعه دانشگاهی در آن نقش داشته‌اند، نزدیک ۷۰۰ نفر از استادان دانشگاه‌ها، که مرتبه علمی آنها دانشیار به بالا بوده، در قریب به ۷۰ کارگروه تخصصی برگزیده شده‌اند و تقریباً در همه حوزه‌های تخصصی هستند. شاید بین‌رشته‌ای‌ها خیلی مستقل نیستند ولی بقیه اغلب مستقل هستند و کارگروه‌ها شکل گرفته‌اند. احکام نهایی این هفته صادر می‌شود و کارگروه‌ها عملاً فعال خواهند شد.

قبلاً ما کارگروه‌های برنامه‌ریزی در وزارت علوم داشتیم. کارگروه‌های برنامه‌ریزی چون منحصر به برنامه‌ریزی درسی بود و وظیفه آنها فقط همین بود که برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها را بررسی کنند و تأیید یا رد کنند. حالا با تفویض اختیاری که به دانشگاه‌ها شده، شاید کم‌ترین وظیفه این کارگروه‌ها برنامه‌ریزی درسی است، وظیفه اصلی این‌ها به گونه‌ای به بخشی از همان رسالتی که شما دنبال می‌کنید، برمی‌گردد. وظایفی که ما برای این کارگروه‌ها پیش‌بینی کردیم اولاً در حوزه آموزش و در حوزه پژوهش هر دو است. یعنی منحصر به آموزش نیست بنابراین یک تعامل و تلفیقی بین ما (معاونت آموزشی) و معاونت پژوهشی وزارت خانه هست که این کارگروه‌ها به هر دو بخش به نوعی ورود پیدا بکنند. نکته دیگر این که اگر در گذشته فقط

برنامه‌ریزی در آموزش بود یا گسترش و توسعه بود، به این باور رسیده‌ایم و منطقی هم هست که توسعه بدون برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزی بدون توسعه اصلاً معنا ندارد، به همین دلیل این‌ها هم در دل همین کارگروه‌ها مطرح می‌شود. به‌خاطر همین هم هست که رسالت کارگروه‌های تخصصی ما در سطح حداقلی برنامه‌ریزی درسی است ولی در عمل وظایف دیگری دارند: یکی از وظایف آنها بحث نظارت بر کیفیت آموزش است. دیگری بحث رصد علم و فناوری در سطح جهان است. همچنین بحث انطباق آموزش و توسعه آموزش عالی با نیاز بازار و جامعه است. تنوع‌بخشی به مدارج یا مدارک تحصیلی یا مقاطع تحصیلی است. ورود به نوآوری‌ها یک وظیفه دیگر است. این مواردی که می‌گوییم هر کدام کلی صحبت و بحث دارد، که من فقط کلیه‌ها را از آن عبور می‌کنم.

وظیفه دیگر، شناسایی شیوه‌های نوین آموزش است. ما همیشه فکر می‌کنیم که آموزشی که ما امروز داریم با آموزش ۵۰ سال پیش ما خیلی فرقی نکرده است. تفاوت در این است که تخته‌سیاه، وایت‌برد شده و گچ هم تبدیل به این قلم‌ها شده است. اما در شیوه تدریس، اگر قدیم استادی آن‌جا درس می‌داد و دانشجو هم گوش می‌داد و اگر حوصله او سر می‌رفت در دفترچه‌اش نقاشی می‌کرد، امروز هم همان طور است. اگر استاد درس بدهد و دانشجو حوصله‌اش سر برود، تکنولوژی بالا رفته و با موبایلش بازی می‌کند. یعنی اصل شیوه تدریس، شیوه آموزش یا یادگیری و یاددهی، متحول نشده است. به‌گونه‌ای نشده که تعامل بین استاد و دانشجو برقرار شود تا دانشجو بتواند ذوق پیدا بکند و شیفته آن درس و مباحث شود. میانگین آن این طوری نیست. به هر حال این‌ها چیزهایی است که انتظار داریم کارگروه‌ها تخصصی در آن ورود پیدا بکنند.

همین طور، شیوه‌های مهارت‌افزایی، ما بخش مهارت‌افزایی را هم از وظایف کارگروه‌ها می‌دانیم که شیوه‌های آن را به ما بگویند. یقیناً شما استحضار دارید که مهارت‌افزایی مثلاً در رشته دام‌پزشکی با فیزیک و فیزیک با ادبیات فارسی فرق می‌کند. ادبیات فارسی با مهندسی فرق می‌کند. مهندسی با حوزه‌های هنری فرق می‌کند و ... متخصصین امر هستند که می‌توانند به ما بگویند مهارت در یک رشته یعنی چه. تنوع مقطع تحصیلی در این رشته یا در این حوزه یعنی چه. آنها می‌توانند به ما بگویند آیا کاردانی در مثلاً کشاورزی هم معنا می‌دهد. آیا کاردانی در شیمی و فیزیک معنا می‌دهد. کاردانی در ادبیات معنا می‌دهد یا نه. آیا دکترا در حوزه هنری واقعاً لازم است و معنی می‌دهد. الان یکی از معضلات ما که در بحث آیین‌نامه ارتقاء هم اشاره کردید این مورد است.

یکی دیگر از وظایفی که در کارگروه‌های تخصصی مطرح است ورود به حوزه‌های بین‌رشته‌ای است. اصلاً بین رشته‌ای‌ها بخشی است که اهل فن باید با هم بنشینند و مثلاً اگر رشته‌ای به نام حقوق دریا تعریف می‌شود، حقوق‌دانان ما و آنهایی که در حوزه دریا تخصص دارند، باید کنار هم بنشینند و مفهوم و معنای این رشته تلفیقی را پیدا بکنند. مطالعات تطبیقی خود را از کشورهای دیگر هم در بیاورند و به ما بگویند که با این استدلال و با این توجیهات، رشته‌ای به نام حقوق دریا معنا دارد. این را مثال عرض کردم و این مثال در هر چیزی هست. الان تلفیق رشته‌های هنری با غیرهنری بسیار زیاد مطرح شده است. تلفیق رشته‌های مهندسی با علوم انسانی خیلی زیاد مطرح شده است.

یکی دیگر از بحث‌های که باز همین کارگروه‌های تخصصی می‌توانند انجام بدهند، تعریف یا تأمین فارغ‌التحصیلانی هستند که می‌خواهند به مقاطع بالاتر برای رشته‌های غیر هم‌سنخ خود ورود پیدا کنند. مثلاً ما نمی‌توانیم رأساً بگوییم آیا فارغ‌التحصیل لیسانس فلسفه می‌تواند فوق‌لیسانس فیزیک بخواند. آیا فارغ‌التحصیل مثلاً شیمی می‌تواند مهندسی برق بخواند. آیا مهندسی برق می‌تواند ادبیات بخواند. تلفیق این‌ها خیلی برای ما معضل شده است.

در بخش آموزش عالی مهندسی هم، اگر کمی وارد بحث‌های خودمان بشویم، من فکر می‌کنم که کرسی یونسکو در آموزش مهندسی، انجمن آموزش مهندسی و مؤسسه ارزشیابی آموزش مهندسی، همه این‌ها می‌توانند بازوی فکری ما و بازوی کاری ما باشند. بر همین اساس هم موافقت‌نامه با مؤسسه ارزشیابی امضاء شد. گرچه کمی اطاله زمانی داشت اما به هر حال امضا شد و نامه آن را هم نوشتیم و معرفی هم کردیم. حتی اعتبار آن را هم به دانشگاه تهران ابلاغ کردیم. نماینده خودمان را هم معرفی کردیم. انتظار دارم حالا که همه چیز به جریان افتاده، حتماً این را به صورت جدی دنبال بکنید و ما هم در خدمت شما هستیم. حتماً من تا در خدمت شما باشم، حمایت خواهیم کرد که این کار به نتیجه برسد.

## دهه سرآمدی آموزش

نکته دیگر که در سال های اخیر خیلی فعال شد، بحث طرح دهه سرآمدی آموزش بود. ما در گذشته چیزی به نام دهه سرآمدی آموزش نداشتیم. به عبارت دیگر، فصلی با عنوان فصل توجه دادن جامعه آموزش عالی به اهمیت آموزش اصلاً نداشتیم. یا اگر بود خیلی پراکنده بود و سازمان یافته نبود. تقریباً ۴ سال است که سوم اردیبهشت تا ۲۱ اردیبهشت را به عنوان دهه سرآمدی آموزش، به همه دانشگاه ها ابلاغ کرده ایم. تعیین این دهه از جنس آن هفته ها نیست که هفته فلان، روز اول این کار را بکن، روز دوم ... اصلاً این حرف ها را نداشتیم و نداریم و نخواهیم داشت. ما فقط ۱۰ روز به بهانه شهادت استاد مطهری که در کل کشور به بحث معلم و استاد پرداخته و بحث آن مطرح می شود، این دهه را مطرح کردیم و به عهده خود دانشگاه ها گذاشتیم که حداقل ۱۰ روز از سال را به این بپردازید که چگونه آموزش را در جامعه دانشگاهی مطرح بکنیم. پیشنهادهایی داده ایم اما عملاً در اختیار دانشگاه ها است که در این ۱۰ روز، چگونه به امر آموزش بپردازند. و یکی از وجوه این مسئله، انتخاب برجستگان جامعه آموزشی در نظام آموزش عالی کشور است و هر ساله تعدادی از شخصیت ها را معرفی می کردیم. به هر تقدیر این حرکت ادامه پیدا می کند و جهت گیری های شما هم با صحبت های آقای دکتر که این جا می فرمودند، احساس کردم در همان راستا است. و ما هم از شما یاد می گیریم که چگونه انجام وظیفه بکنیم و ان شاء الله شما هم ما را یاری دهید که این مسیر را دنبال کنیم.

انتظار من یا به تعبیر دیگر پیشنهاد من این است که کرسی یونسکو عصاره فعالیت های خود را در دهه سرآمدی آموزش، در جامعه دانشگاهی مطرح بکند؛ چون پوشش های خبری در آن دهه خیلی بالا است. ما الان در آن دهه از همه دانشگاه ها اطلاعات دریافت می کنیم که چه کسی چه کاری می کند و همه کارهایی که می گویند داریم انجام می دهیم همه مربوط به آن دهه نیست، فعالیت های در طول سال آنها است. منتها آن دهه یک بهانه است که همه بروشورها، خبرنامه های الکترونیک و خبرنامه های چاپی، مصاحبه ها (من خودم به دفعات مصاحبه می کنم از دانشگاه های مختلف نام می برم که این دانشگاه این کار را کرده، آن یکی آن کار را کرده و ...) به فعالیت ها می پردازد.

### پاسخ به سوالات مطرح شده در جلسه

#### ورود به رشته های مهندسی با نمرات زیر صفر

در مورد سوالاتی که در ابتدای جلسه مطرح شد، به یکی دو مورد آن می پردازم. این که گفته شد ورود به آموزش مهندسی با نمرات زیر صفر، اگر منظور ورود دانشجویان به دانشگاه ها با نمرات منفی و صفر کنکور است که این از امسال کاملاً جمع شد. اما اگر منظور این است که به دانشگاه ها وارد می شوند و نمره ریاضی یا نمرات پایه آنها در دبیرستان و آموزش های قبل دانشگاه آنها پایین است، این نکته درستی است و حقیقت دارد و ما هم به فکر هستیم و اخیراً جلساتی داشتیم که در پرتو آن یک کف نمره ای تعیین بکنیم و براساس آن کف نمره بگوییم دانشجویی به کدام دانشگاه می تواند ورود پیدا بکند و تعیین این کف نمره را هم در اختیار دانشگاه ها بگذاریم. مثلاً دانشگاه تهران بگوید برای خود در برخی دروس حداقل هایی را قائل است و این حداقل ها برای ما ملاک بشوند. دانشگاه شریف برای خود یک حداقل هایی تعیین کند.

#### سطح بندی دانشگاه ها

به عدم ثبات رویه ها در وزارت علوم، در مواردی چون سطح بندی و نشریات علمی اشاره شد. واقعاً این جوری نیست. ما یک بار فقط سطح بندی کردیم. البته یک مقطع آزمایشی بود و اعلام کرده بودیم آزمایشی است. این هم به خاطر اعتراض برخی دانشگاه های ضعیف ما بود، که آزمایشی اعلام کردیم. بعد از تقریباً ۵ یا ۶ ماه آن را قطعی کردیم و همان یک بار هم بود و گفتیم ظرف دو سال این بازنگری می شود و دو سال آن تازه تمام شده است. بنابراین تیم های کارشناسی ما تشکیل شده اند و تقریباً یک ماه و نیم تا دو ماه است که مجدداً نظام سطح بندی را داریم بازنگری می کنیم. البته جهت اطلاع شما عرض بکنم که به احتمال بسیار زیاد در دوره جدید سطح بندی را به این معنا دنبال نخواهیم کرد و رتبه بندی بیشتر دنبال می شود. ظاهراً

بحث‌های زیادی شده که رتبه‌بندی بیشتر ضرورت دارد. البته این هم مشکلات خاص خود را دارد. اما روی بحث رتبه‌بندی دانشگاه‌ها داریم کار می‌کنیم. تا الان هم که سطح‌بندی اعلام کرده‌ایم از نظر خود ما رتبه دانشگاه‌ها کاملاً معلوم بود. همین الان هم اگر کسی از من بپرسد یا بنا باشد من بگویم در ۱۳ دانشگاه برتر سطح یک کشور، کدام رتبه یک و کدام رتبه سیزدهم است، اطلاعات را داریم. اما هیچ وقت اعلام نکردیم و گفتیم بگذاریم در یک سطح قرار بگیرند و فعلاً دست‌گرمی این‌ها با هم کار نکنند و ببینیم چه می‌شود. بنابراین در سطح‌بندی ما تغییر مکرر نداشته‌ایم.

## نشریات علمی

در مورد تغییرات در سیاست نشریات گفته شد. به نظر من سیاستی که درباره نشریات صورت گرفته گرچه در حوزه من نیست، سیاست درستی است. ما دو رویکرد را باید جا بیاوریم. ۱- اساساً این که دانشگاه متولی نشریه بشود این باید اصلاح شود. این روش خیلی خوبی نیست که دانشگاه متولی انتشار نشریه باشد. دانشگاه تهران اگر اشتباه نکنم حدود ۱۴۰ نشریه دارد. دانشگاه نباید متولی نشریه باشد. اگر شما آمار نشریات معتبر دنیا را بررسی کنید، تقریباً ۹۵ درصد نشریاتی که در اسکوپوس ثبت است، مربوط به مراکز غیردانشگاهی است. یعنی ناشر آن غیردانشگاهی است. فقط ۵ درصد آن دانشگاهی است و درصد بالایی از آن ۵ درصد هم غیر Q1 و ... هستند. یعنی ما عملاً داریم راهی را می‌رویم که خلاف مسیر دانشگاه‌های معتبر دنیا است. شاید یکی از دلایل این باشد که انجمن‌های ما خیلی فعال نیستند یا حداقل کم‌تر آن نقش را می‌توانند ایفا کنند. این هم یک ایراد است و باید جور دیگری به آن پرداخت. به هر حال می‌خواهم بگویم که این سیاست باید اصلاح شود. دانشگاه‌ها نباید متولی نشریه باشند.

نکته دومی که در آیین‌نامه نشریات مد نظر قرار گرفته است که قبلاً نبود، نیاز نیست برای راه‌اندازی نشریه کسی مجوز از وزارت علوم بگیرد. اصلاً نیاز نبود. قبلاً حتی اگر شما می‌خواستید کار را آغاز بکنید، باید می‌آمدید وزارت‌خانه و مدارکی را پر می‌کردید و ... هیأت تحریریه را معرفی می‌کردید و ... و تازه وزارت‌خانه با آن همه اطاله زمانی که داشت که مجوز بدهد یا ندهد، بعد می‌گفت حالا شما اجازه دارید منتشر کنید. این فرآیند کاملاً حذف شده است. هر کسی در هر جایی از این مملکت می‌خواهد نشریه منتشر کند، برود منتشر کند. زمانی که تور وزارت‌خانه می‌افتند که بخواهند نشریه را اعتبارسنجی کنند، می‌خواهند بگویند که این نشریه‌ای که ما ۶ ماه، یک‌سال یا کم‌تر یا بیشتر است که منتشر می‌کنیم، اعتبار پژوهشی دارد یا ندارد. اعتبار ترویجی دارد یا ندارد. آن موقع است که به تور وزارت‌خانه می‌خورند که به آنها می‌گویند حالا بیا باید این مدارک را پر کنید تا ببینیم چه کاره هستید و تا بحال این مقداری که منتشر کرده‌اید چه طوری بوده است. به هر حال به نظر من این سیاست درستی است.

## تفویض اختیار به دانشگاه‌ها

نکته بعد تفویض اختیار به دانشگاه‌ها یکی از کارهایی است که ما از سه سال پیش شروع کرده‌ایم و نمونه‌های متعددی داریم از اختیاراتی که به دانشگاه‌ها واگذار کرده‌ایم. معنای عرض من این نیست که این موارد کافی است. باور خود من این است که خیلی بیش از این‌ها باید به دانشگاه‌ها، به‌خصوص دانشگاه‌های سطح یک و دانشگاه‌های مطرح، تفویض اختیار کرد. اصلاً باید بگذارند راحت هر کاری که خودشان می‌خواهند، بکنند. این در خیلی از زمینه‌ها است. شاید فقط خطوط قرمزی که جزء سیاست‌های دستگاه‌های آموزش عالی است باید مشخص کنیم و بگوییم با رعایت این خطوط قرمز، شما آموزش عالی را در دانشگاه خودتان مدیریت کنید.

البته این امر یک‌باره محقق نمی‌شود، به دلایل مختلفی که وقت این جلسه اقتضاء نمی‌کند که بخواهم به آن‌ها بپردازم. اما تدریجی ما این کار را کرده‌ایم. برنامه‌ریزی درسی واگذار شده است. پذیرش دانشجوی خارجی واگذار شده است. دوره‌های مشترک واگذار شده است. پذیرش دانشجو در پردیس‌ها، در مناطق آزاد واگذار شده است. این مواردی که می‌گویم دانشگاه‌های سطح یک است عمدتاً و بعضی از آنها هم به سطح دو واگذار شده است. الان هم داریم روی طرحی کار می‌کنیم، کارگروهی گذاشته‌ام که روی این کار می‌کنند که اساساً تعیین ظرفیت پذیرش دانشجو را به عهده دانشگاه‌ها بگذاریم. الان این

طوری نیست. اما داریم یک کارهایی می‌کنیم که شاید بشود واگذار کنیم که مراجعات ما مقداری زیادی کاهش پیدا کند. دانشگاه‌ها بروند و ببینند برای خودشان چه کار می‌خواهند بکنند.

### ماموریت گرا شدن دانشگاه‌ها

ماموریت‌ها را اشاره فرمودید، اتفاقاً ما ماموریت‌ها را داریم فشار می‌آوریم. البته ادعا این نیست که همه دانشگاه‌ها الان ماموریت‌گرا هستند، نه. ولی فشار آورده‌ایم. الان شما دانشگاه پیام‌نور را که اسم آوردید بروید ببینید در طول سال‌های گذشته، از سال ۹۳ به این طرف (قبل از ۹۳ را من نمی‌دانم یا حداقل مسئولیتی نداشته‌ام) دانشگاه پیام‌نور یک مجوز دکترا از ما نداشته است. یک مجوز کارشناسی و ارشد در رشته‌های کاربردی و عملی از ما نداشته است. اگر رشته‌های این سبکی هم دارد از گذشته است که آنها را ما نیامده‌ایم صفر بکنیم. داریم آنها را با یک حرکت‌های تدریجی و یواش یواش جمع می‌کنیم. ولی جدیداً مطلقاً مجوز نداده‌ایم.

دانشگاه‌های فنی و حرفه‌ای و ... به هیچ وجه مجوز فوق‌لیسانس به آنها نداده‌ایم. مطالبه می‌کردند، درخواست می‌کردند، ولی ندادیم. بالعکس در کاردانی‌ها، تکنیسی‌نی و ... این‌ها را خیلی تقویت کردیم. مجوزهای زیادی به آنها دادیم. خیلی از دانشگاه‌های سطح ۳ و ۴ ما که دم از جامعیت می‌زدند، جلوی این‌ها گرفته شده است و برای هر کدام ماموریت محوری تعریف شده است. این موارد عمدتاً برای دانشگاه‌های سطح ۳ و ۴ است و درخواست‌هایی که خارج از ماموریت محوری آنها بوده با آنها مقابله و برخورد کردیم و مجوز ندادیم. البته استثناءهایی هم وجود دارد. تربیت معلم که اشاره فرمودید هم همین طور. دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، یک دانشکده وابسته به آموزش و پرورش است و ماموریت آن تأمین نیروی انسانی آموزش و پرورش است. بسیار در این چند ساله فشار آورده‌اند که دانشجوی دکترا بگیرند و نداده‌ایم. خیلی هم از این بابت ناراحت هستند و می‌گویند ما استاد داریم و فلان امکانات را داریم و ... گفتیم اگر آموزش و پرورش اعلام نیاز می‌کند می‌دهیم اگر نه، نمی‌دهیم.

### آیین‌نامه ارتقاء

آیین‌نامه ارتقاء آخرین نکته‌ای بود که اشاره فرمودید. آیین‌نامه ارتقائی که امروز داریم به مراتب از آیین‌نامه قبلی بهتر است، هیچ تردیدی نیست و همه این را قبول دارند. اما هنوز معتقدم در ارتباط با ماموریت‌گرایی دانشگاه‌ها بخش‌هایی از این آیین‌نامه ارتقاء هم باید به موازات، مجدداً اصلاح شود.